

گاهش تکرار جرم

در نظام کیفری انگلیس

ترجمه: محمدرضا پوراحمدی لاله

قسمت پایانی

دکتری حقوق جزا و جرم شناسی

حداکثر رساندن فرصت های تماس با خانواده ها به صورت ملاقات، نامه، تلفن و مرخصی به خانه است:

ما باید زندانیان را قادر سازیم تا درآمدهای واقع بینانه تری را از طریق کار در تمام هفته به دست آورند که موجب استقلال خود شده و جبران خسارت قربانی را تسهیل نماید. هم چنین زندانیان منتخب، باید بتوانند در طول روز جهت کار برای کارفرماهای محلی زندان را ترک کنند و در مراکز آموزش محلی مشغول به تحصیل شوند یا کارهای اجتماعی محلی را انجام دهند. گرایش های اخیر در مورد محدودیت مرخصی و فرصت های آزادی موقت باید بررسی و منعکس شوند؛ هم چنین دستگاه زندانبانی باید حداکثر تلاش خود را در ارائه و تفهیم «زندانیان های اجتماعی محلی» که در آن ها زندانیان نزدیک مناطق محلی شان نگهداری می شوند، به کار برند؛ این موجب تسهیل ملاقات منظم خانوادگی شده و امکان ارتباط با سازمان های قانونی و داوطلب محلی را که می تواند به زندانیان در حبس و هنگام آزادی کمک کند، فراهم می آورد.

روش اداره زندان ها باید به شکلی باید باشد که از گرایش به سمت تکرار جرم جلوگیری به عمل آورد. همان گونه در نظارت اجتماعی وجود دارد بسیاری از

زندانی می تواند اندازه گیری و ارزیابی شود. این عملکرد باید با تأسیس جدول زمانی همراه باشد که طبق آن همه زندانیان به استانداردهایی دست یابند که در قانون به استانداردهای رسمی معروف شده و در نهایت به طور قانونی الزامی می شود. طبق این قانون زندانیان باید فرصت داشته باشند که حداقل ۱۲ ساعت در روز را خارج از بند سپری کنند. استانداردها هم چنین باید تصریح نمایند که مطابق قانون زندان های اروپایی «کار کافی و با ماهیتی مفید یا دیگر فعالیت های هدف دار و باید برای ایجاد یک روز عادی کاری، زندانیان را فعالانه سرگرم سازد».

زندگی در زندان باید تا حد ممکن شبیه به خارج از زندان باشد و در عین حال حقیقت حبس را نشان دهد. هر چه محیط زندان مصنوعی و غیر طبیعی باشد، زندانیان به وضع بدتری خود را برای محیط خارج از زندان آماده می کنند. حفظ ارتباطات خانوادگی به ویژه از اهمیت شایانی برخوردار است. تحقیقات در ایالات متحده نشان داده است که احتمال تکرار جرم در سال پس از آزادی برای زندانیان محروم از حمایت خانوادگی شش برابر بیش از دیگر زندانیانی است که از چنین حمایتی برخوردار بوده اند. بنابراین هدف دستگاه زندانبانی به



۲- روش اداره امور زندان ها

میزان ارائه روش های بازپروری در زندان ها تا اندازه ای بسته به نوع صحیح و مناسب حبسی است که دادگاه اعلام می کند.

از زندان ها باید کم تر استفاده کرد. اگر زندان برای متخلفینی به کار گرفته شود که با حکم های غیر حبس بهتر تحت بازپروری قرار می گیرند، از دحام حاصل از آن فراهم آوردن روش هایی را که به طور مؤثر به بازپروری مجرمین می پردازد مشکل می سازد.

اداره امور زندان ها باید فعال باشد، فعالیت های هدف دار جوی مثبت در زندان ها ایجاد می کند و فرصت های توسعه روابط بین زندانیان و کارکنان را از طریق شرکت در فعالیت ها افزایش می دهد.

خدمات زندان ها اکنون استاندارد هایی با معیارهای قابل استفاده ای در اختیار دارد که از طریق آن روش ها و نحوه ی اداره امور

موفقیت آمیزترین روش ها که در سال های اخیر توسعه یافته برآموری متمرکز است که تداعی گر انگیزه فرد از ارتکاب جرم بوده و تحت تأثیر خسارات ناشی از جرایم به قربانیان و دیگر مردم قرار گرفته و مبتنی بر نیاز مجرمان برای رویارویی و به عهده گرفتن مسئولیت اعمالشان و راهکارهایی برای ایجاد تغییر در رفتارشان می باشد. این روش ها باید محور اساسی رژیم زندان را تشکیل دهند. موارد زیر مثال هایی است از پژوهش های اخیر در مورد برنامه های زندان که می تواند کاهش دهنده تکرار جرم باشد. تحقیقی ارزیابی کننده در مورد یک برنامه پیشگام برای بازپروری معتادین در زندان داون و یوبا همکاری انجمن بازپروری زندانیان معتاد نشان داد که زندانیان درخواست کننده برای شرکت در برنامه حدود نه سال به مواد مخدر وابستگی داشته و اکثریت آن ها احساس می کردند که وابستگی آن ها موجب ارتکاب جرمشان است. استفاده از مواد مخدر در میان شرکت کنندگان در این برنامه به شکل چشم گیری کاهش یافت. همه آن ها به جز یک نفر ادعا کردند که از زمان ملحق شدن به گروه از پیش تعیین شده در برنامه دیگر وابسته به مواد مخدر نیستند و آزمایشات مواد مخدر شاهدی دال بر عدم وابستگی آن ها بود. به جز دو نفر ۲۳ نفری که از این برنامه فارغ شدند ادعا کردند که از زمان تکمیل دوره از مواد مخدر استفاده نکرده اند و این ادعاها با بررسی نتایج آزمایشات نامنظم اثبات می شد. کارکنان مکرراً این ایده را بیان می داشتند که بازپروری و ترک مواد مخدر

سهم به سزایی در کاهش استفاده از آن در زندان داشته است.

یک پروژه تحقیقاتی در مورد میزان محکومیت مجدد پس از آزادی از زندان «چمرهاوس»^(۷) که تأکید زیادی بر استفاده از آزادی های موقتی زندانیان و شرکت آن ها در مشاغل (هم خدمات مفید اجتماعی و هم مشاغل با دستمزد) داشت نشان داد که میزان محکومیت مجدد زندانیان آزاد شده از لاچمرهاوس طی ۱۲ ماه پس از آزادی تقریباً نصف زندانیان مشابه آزاد شده از دیگر زندان هاست (۱۹۹۶).

تجزیه و تحلیل میزان محکومیت مجدد زندانیانی که حبس خود را در زندان گرندون^(۸) گذرانده بودند (زندانی که بخش های آن به عنوان اجتماعات درمانی عمل می کند) نشان داد که ۳۳٪ نمونه های زندان گرندون در مقایسه با ۴۲ تا ۴۷٪ زندانیان بزرگسال مرد در مقیاس ملی دچار محکومیت مجدد شدند. میزان محکومیت مجدد در کسانی که به مدت ۱۸ ماه یا بیشتر تحت درمان قرار گرفتند، ۲۰٪ کسانی که مستقیماً از زندان گرندون آزاد شده بودند ۱۶٪ و کسانی که از نظر کارکنان به عنوان «موفقیت» در درمان به حساب می آمدند ۷٪ بوده است (۱۹۹۳).

از تحقیقی طویل المدت که طی دوره ای ۱۴ ساله در ماساچوست برای طرح ریزی بازپروری زندانیان و سازگار کردن مؤثر آن ها با اجتماع انجام شد، مطالب بسیار زیادی می توان آموخت (تأثیرات سازگارسازی اجتماعی بر میزان تکرار جرم، ۱۹۹۸). مواد مورد بررسی در این آزمایش عبارت بودند از مراکز رو به توسعه ی پیش از آزادی، میزان قابل ملاحظه مرخصی و آزادی موقتی برای کار و تحصیل، شرکت در پروژه های اجتماعی برای درمان اعتیاد به مواد مخدر و الکل، برنامه های ملاقات به ویژه برنامه های بازپروری در طول حکم که به طور فردی طرح ریزی و اجرا گردید. نتایج نشان داد که محکومیت مجدد آن ها از یک سوم تا دو سوم کم تر از نرخ محکومیت مجدد کسانی بود که در این برنامه شرکت نکرده بودند.

برنامه ها و طرح های فردی دوران محکومیت در طول حبس باید به طور منظم مورد بازنگری قرار گیرد. این بازنگری ها باید در برگیرنده آموزش زندانی و رفع نیازهای آموزشی او، ارتقای سلامت جسمی شامل کمک برای فائق آمدن بر اعتیاد به مشروبات الکلی و مواد مخدر یا قمار و کارهایی برای تغییر رفتار مجرمانه باشد. کیفیت طرح های دوران محکومیت متفاوت است. در یکی از مطالعات اخیر پیرامون طرح ریزی برای دوران محکومیت توسط زندان و خدمات تعلیمی، مثال های قابل ملاحظه ای در بار سرمایه گذاری و اشتیاق برای این کار یافت شد.

هم چنین نشان داده شد که کیفیت آن متغیر است و بعضی طرح‌ها بسیار مناسب اما بیشتر آن‌ها ناکافی است. طرح ریزی مؤثر دوران محکومیت باید برای همه انجام گیرد؛ به جز زندانیانی که دوره حبس آن‌ها بسیار اندک است.

هم چنین سلسله فعالیت‌ها و فرصت‌هایی برای کار، آموزش و تحصیل پیشرفته برای رفع نیازهای هر زندانی باید وجود داشته باشد. این امر به منابع کافی نیازمند است؛ چه از نظر زمان کار کارکنان برای به عهده گرفتن فرایند طرح ریزی و چه از نظر برنامه‌هایی که در جهت رفع نیازهای تعیین شده اجرا می‌شود. علاوه بر طرح دوران محکومیت، طرح آزادی باید برای هر زندانی بیش از آزادی او اجرا شود؛ به طوری

که زمینه‌هایی مانند مسکن، شغل، تحصیل، مراقبت‌های پزشکی و اقتصادی را در برداشته باشد.

آموزش و تحصیل در زندان باید در ارتباط تنگاتنگ با آموزش و تحصیل خارج از زندان باشد. هدف تمام انواع آموزش‌ها در حبس باید ارائه‌ی واحدهایی شناخته شده و معتبر باشد که هر زندانی پس از حبس بتواند در اجتماع آن را ادامه دهد. در فعالیت‌ها و اداره زندان باید عوامل و بنگاه‌های خارج از زندان تا حد اکثر امکان حضور داشته باشند، نه فقط بنگاه‌هایی که تخصص در سازگار ساختن زندانیان دارند بلکه بنگاه‌های مسکن، خدمات شغلی، کارفرمایان، هیأت‌های آموزشی، کلیساها، سازمان‌های اقلیت‌های نژادی، نیکوکاران، بنگاه‌های امور HIV و AIDS و سازمان‌های همکاری‌کننده برای مبارزه با مشکلات الکل، مواد مخدر و قمار باید حضور داشته باشند. به افسران زندان باید فرصت‌های آموزش بیشتری ارائه داد تا خود را برای آگاه ساختن زندانیان از حقوق مربوط به مسکن و کار به علاوه آموزش مهارت‌های مشاوره و فرصت‌هایی برای

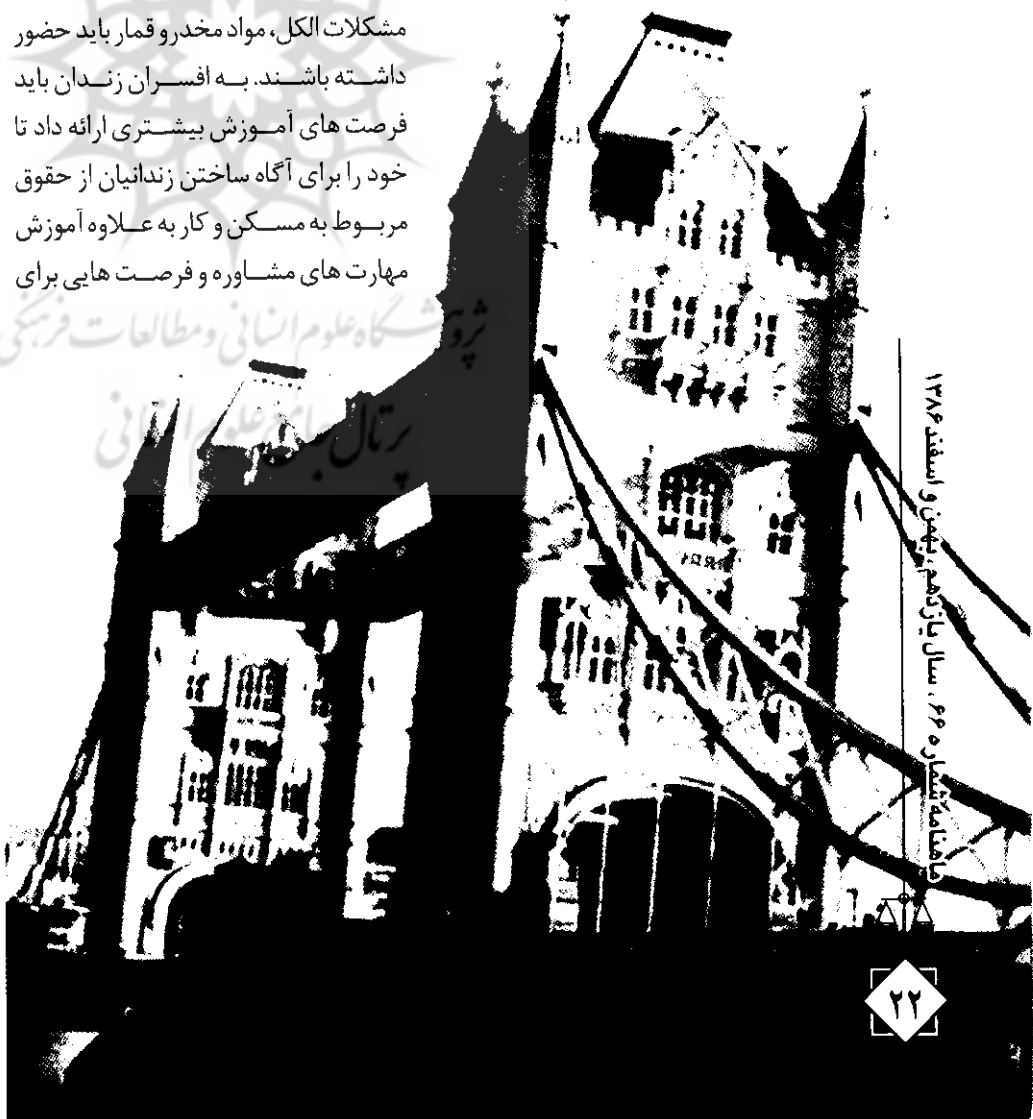
تخصیص زندانیان به بنگاه‌های رفاهی خارج از زندان، آماده سازند.

در حین آزادی

سومین زمینه‌ی مهم برای بازپروری مجرمان، آزادی از زندان است. (از زندان به جامعه). در صورتی که طرح‌های آزادی در طول دوره محکومیت به خوبی اجرا شده و هدف آن ادامه کار آغاز شده در حبس باشد، این شیوه بسیار موفقیت آمیز خواهد شد.

هنگامی که زندانیان در حبس هستند حتی برای زمانی کوتاه ممکن است خانه، شغل، خانواده و ارتباطات اجتماعی خود را از دست بدهند و بسیاری از زندانیان فقط با لباسی که در تن دارند و پول اندکی که به آن‌ها تعلق می‌گیرد، آزاد می‌شوند تا به عنوان پشتوانه آن‌ها در جامعه‌ای باشد که در آن هیچ سرمایه‌ای ندارند. به دلیل سابقه جنایی، آن‌ها خارج از جریان اصلی جامعه قرار می‌گیرند و همه آن‌ها به راحتی دوباره به سمت ارتکاب جرم منحرف می‌شوند. بنابراین جای تعجبی ندارد که ۵۳٪ همه زندانیان ۷۵٪ جوانان متخلف و ۸۹٪ جوانانی که محیط حبس را ترک می‌کنند طی دو سال مجدداً محکوم می‌شوند.

نظارت پس از آزادی نقش به‌سزایی در کاهش تکرار جرم دارد. تحقیقات وزارت کشور از دستگاه عفو مشروط نشان داده است که آزاد شدگان براساس این نوع برنامه در مقایسه با دیگر آزاد شدگان میزان تکرار جرم کم‌تری از آن‌ها انتظار می‌رفت، داشته‌اند. به همین شکل یکی از مطالعات تحقیقاتی وزارت کشور در مورد عملکرد برنامه‌های پس از آزادی که به طور خودکار برای زندانیانی اجرا می‌شود که حبس چهار سال یا کم‌تر را سپری می‌کنند، نشان داد که میزان تکرار جرم متخلفینی که دوره‌گواهی‌نامه آزادی خود را به پایان رسانده‌اند از آن‌ها چه که انتظار می‌رفت، کمتر است. بنابراین قانون سال ۱۹۹۷ در





در هنگام آزادی به زندانیان مبلغی اهدا می شود که تا یک هفته پشتوانه آن هاست تا بتوانند مشمول پرداخت DSS حداقل دو هفته پس از آزادی شوند ولی در عمل، اولین پرداخت اغلب بیش از دو هفته پس از آزادی به طول می انجامد. اما دوره ای که بلافاصله پس از آزادی است احتمالاً با نیازهای مادی روزمره مانند اجاره ی مسکن و ارتباط با خدمات مواجه است.

طی مطالعه ی اخیر نمونه ای از زندانیان آزاد شده، همه ی آن هایی که مورد مصاحبه قرار گرفتند (تحقیق PST) مخارج اهدا شده را ظرف یک هفته یا کم تر مصرف کرده بودند. نویسندگان پیشنهاد دادند که «یک هفته پرداخت هرگز به عنوان پشتوانه از زندانیان برای دو هفته کافی نیست.» اصولاً زندانیان مبلغ فوق را جهت خرید غذا، پوشاک (بسیاری از آن ها فقط لباسی را دارند که هنگام ورود آن را در تن داشته اند) و مخارج سنگین راه هم چون سفر و تماس های تلفنی مصرف می کنند که همگی برای بازگشت به زندگی و جامعه ظرف چند روز پس از آزادی ضروری است.

زندانیان هنگام آزادی باید قادر باشند به سرعت و با سهولت به حقوق و منافعی که برای آن ها در نظر گرفته شده دست یابند؛ در غیر این صورت، بدون وجود هیچ پولی برای زندگی، اغوا برای بازگشت به جرم به سرعت و با قدرت شکل می گیرد. اگر چه مطالبه کنندگان تا سه ماه پیش از تعیین شدن می توانند به طور رسمی درخواست حمایت مالی کنند و مراقبت احتیاطی اجتماعی (که برای کمک به افرادی است که خارج از مؤسسه کیفری به سر می برند) می تواند ظرف حداکثر شش هفته قبل از ترک مؤسسه کیفری به کار گرفته شود،

مورد جرم (احکام) که دوره نظارت پس از آزادی را برای اکثر زندانیان کاهش می دهد، نباید اجرا شود. ما از قانونی حمایت می کنیم که دوره طولانی تری را برای نظارت پس از آزادی پیشنهاد می کند؛ به ویژه برای زندانیان با تخلفات جنسی، خشونت آمیز و زندانیانی که مشمول عفو مشروط نشده اند (و دوره نظارت پس از آزادی برای آن ها بسیار کم تر از آزاد شدگان با عفو مشروط است).

زندانیانی که حکم کم تر از ۱۲ ماه را می گذرانند مشمول نظارت اجباری پس از آزادی نمی شوند. آن ها به طور داوطلبانه می توانند از خدمات تعلیمی کمک گیرند اما از اولویت پایین تری نسبت به نظارت قانونی دیگران برخوردارند. سازمان های داوطلب نقش مهمی در رسیدگی به این گروه از زندانیان دارند و به طور سنتی ارتباط مفیدی با سازمان های ارائه کننده ی خدمات تعلیمی دارند. اما سازمان های ملی و محلی داوطلب با مشکل سرمایه گذاری مواجهند و دستیابی به خدمات آن ها در هر بخشی از کشور با بخش دیگر متفاوت است. در واقع دستیابی به نوعی کمک ویژه در هر زمینه موضوعی است که به شانس بستگی دارد. استانداردهای خدمات تعلیمی ملی داوطلب برای مراقبت پس از خروج زندانیان معین گردد و نظارت ملی بر برنامه های مشارکتی همراه با بازنگری برنامه های اقتصادی موجود به منظور کاهش بی نظمی های رایج در امکانات سازگارسازی زندانیان به عهده گرفته شود. بسیاری از زندانیان به هنگام آزادی با مشکلات حاد اقتصادی مواجهند؛ آن ها ممکن است به حمایت مالی، مسکن و وسایل خانه نیاز داشته باشد. هر یک از درخواست های زندانی باید به طور مجزا و در ادارات مختلف ارائه شود و برای رسیدگی به درخواست، دقت کافی به عمل آورد.

ولی هیچ یک از کسانی که در تحقیق PST مورد مصاحبه قرار گرفته بودند، فرم درخواست استفاده از منافع را قبل از خروج از زندان پر نکرده بودند. بنگاه حمایت از زندانیان باید کار خود را در زندان ها انجام دهد تا بسیاری از امور مربوط به مطالبات زندانیان از قبل انجام شود؛ به طوری که زندانیان از لحظه آزادی، منبع در آمد ثابتی داشته باشند.

استخدام، عنصری مهم در برقراری سازش با جامعه

تحقیقات بیان می دارد افرادی که سابقه جنایی داشته و بی کار هستند احتمال محکومیت مجددشان دو برابر بیش از بقیه است. ۵٪ از زندانیانی که در مقیاس بالا در برنامه های بازپروری NACRO در سال ۱۹۹۲ شرکت کردند، پیش از حبس بیکار بوده اند؛ در حالی که ۳۴٪ دیگر از آن ها بیان داشته اند که به دلیل محکومیت، کار خود را از دست داده اند.

بدین ترتیب در مجموع ۸۹٪ زندانیان در هنگام آزادی با مشکل بیکاری مواجه هستند و بسیاری از کارفرمایان رغبتی به استخدام این گونه افراد ندارند؛ حتی زمانی

که جرایم آن‌ها ارتباطی به شغلی که تقاضا کرده‌اند، نداشته باشد. کارفرمایان باید در فرصت‌های شغلی مشابه از آزاد شدگان از زندان استفاده کنند و به این اصل توجه کنند که در این مورد، فقط محکومیت‌هایی که مربوط به مقام شغلی است باید به حساب آید. زندان‌ها باید برنامه‌های کاری بیشتری را تدارک دهند و از آزادی‌های موقتی برای مصاحبه شغلی بهره‌ی بیشتری ببرند. مراکز کاربایی و آموزش شغلی باید در هر زمان که زندانیان را مستقیماً به سوی جامعه روانه می‌سازد وجود داشته باشد. باید در مورد دوره پیش از اتمام محکومیت، بازنگری‌هایی برای بازپروری متخلفان به عمل آید. سازمان‌های آموزشی باید اولویت بالاتری را برای رفع نیازهای آموزشی زندانیان آزاد شده قائل شوند و با آموزش عمومی آن‌ها، منابع افزایش بودجه را برای رفع نیازهای آموزشی و تخصصی آن‌ها فراهم آورند. مؤسسات تحصیلی بیشتری باید با زندان همکاری داشته باشند و خدمات تعلیمی و بخش داوطلبی باید تلاش کند موانعی که موجب وقفه در ادامه دوره‌هایی می‌شود که زندانیان در زندان آغاز کرده‌اند، کاهش یابد. معیارهایی که برای کاهش بی‌خانمانی در هنگام آزادی به کار گرفته می‌شود از اهمیت بیشتری برخوردار است. مطالعه وزارت کشور انگلیس در مورد زندان‌ها در سال ۱۹۹۱ نشان داد که آن‌ها نیمی از زندانیان محکوم پس از آزادی از امکانات زندگی قبل از حبس برخوردارند. به همین شکل مطالعات سال ۱۹۹۲ توسط NACRO نشان داد که ۱۳٪ زندانیان قبل از حبس، خانه‌ای نداشته و ۴۴٪ دیگر آن‌ها خانه خود را در نتیجه حبس از دست داده‌اند. به این معنی که تقریباً نیمی از این نمونه‌ها پس از آزادی با خطر بی‌خانمانی مواجه بودند. کسانی که در حین آزادی

خانه‌ای برای اقامت ندارند با مشکل جدی اجاره مسکن مواجه هستند. مراکز شبانه‌روزی و انجمن‌های مسکن مهم‌ترین اسکان‌دهندگان کوتاه‌مدت برای زندانیان آزاد شده هستند اما اغلب با مشکل سرمایه و مشکلات ناشی از عدم نوسازی تجهیزات مواجه می‌باشند.

پژوهشی پیرامون بی‌خانمانی و جرم‌خیزی توسط مالکلم رمزی (Malcolm Ramsay) - که در بولتن تحقیقاتی شماره ۲۰ (۱۹۸۶) وزارت کشور انگلیس منتشر شد - نشان داد اگر چه جرم نتیجه حتمی بی‌خانمانی نیست، اما ارتباطات نزدیکی بین این دو مشهود است؛ مثلاً یکی از تحقیقات وزارت کشور که ۶۰۰ نفر را در طول دوره ۲۰ سال پس از آزادی از زندان مورد مطالعه قرار داده بود بیان داشت که کم‌تر از یک سوم زندانیان که مشکل روانی ندارند و از مسکن برخوردارند، در مقایسه با ۶۹٪ زندانیان مشابه که مسکن ندارند، دچار محکومیت مجدد می‌شوند. آقای رمزی نتیجه گرفت که «نیاز زندانیان آزاد شده به مساعدت از نظر مسکن و کار اکنون بسیار بیشتر از ۱۰ تا ۲۰ سال گذشته است. در گذشته مشکل زندانیان آزاد شده، حفظ شغل بوده به دست آوردن آن، در حالی که در اکثر مناطق برای آنان امکانات اجاره وجود داشت و آنان قادر بودند با استفاده از دستمزد خود جایی را برای زندگی بیابند. در حال حاضر مشکلاتی که گریبان‌گیر زندانیان از نظر هر دو مورد (مسکن و کار) است، بسیار جدی است. داشتن شغل و داشتن جایی برای زندگی هیچ یک لزوماً باعث بازپروری فرد نمی‌شود. اما عدم وجود هر یک از این‌ها شانس حرکت فرد (در راه راست) را مطمئناً باریک می‌کند.»

دیگر مطالعات اخیر ارتباط بین بی‌خانمانی و جرم را تصدیق می‌کند. ما

تخمین می‌زنیم که تا ۴۰۰۰ نفر زندانی مواد مخدر هر سال بدون داشتن خانه آزاد می‌شوند. زندان‌ها به طور نظامند هنگام پذیرش زندانی، مشاوره‌هایی به او ارائه می‌دهند و به او کمک می‌کنند برنامه‌هایی برای نگهداری امکانات و تجهیزات موجود خود تا حد امکان داشته باشد. باید سعی شود منافع مربوط به مسکن و وسایلی که زندانی قبل از حبس داشته و بعد از آن از دست داده، به نحوی جایگزین شود. تعاونی‌های مسکن باید تضمین کنند که در اقدامات پذیرش، از تبعیض غیر ضروری نسبت به زندانیان آزاد شده پرهیز می‌کنند و برنامه‌های منطقه‌ای را در نظر می‌گیرند. هم‌چنین افزایش قابل توجهی باید در تعداد مراکز شبانه‌روزی و دیگر امکانات حمایتی برای زندانیان آزاد شده در جامعه فراهم شود. این امر همراه با امکانات تحصیلی و آموزشی آزاد شدگان موجب کاهش تکرار جرم بسیاری از کسانی می‌شود که تحت محکومیت‌های غیر حبس قرار دارند و یا از زندان آزاد می‌شوند.

نتیجه:

مقاله فوق به دنبال این بوده که عناصری را معرفی نماید که در کاهش محکومیت مجدد و توسعه دیدگاه‌های بازپروری متخلفین نقش دارند. در حالی که جامعه حق دارد متخلفین را از طریق سیستم عدالت کیفری تنبیه کند، وظیفه کمک به آن‌ها و بازسازی زندگی آن‌ها را نیز دارد؛ به طوری که تنبیه آن‌ها و آوارگی آن‌ها از حکم شده نباشد و قربانیان جرم از عوارض ناشی از تکرار جرم صدمه نبینند.

پی‌نوشت‌ها:

- 6) Methadon redvction
- 7) Clatchemere house
- 8) (Grendon)

منبع:

Redvcing Reoffending
England May 1997